

التشريع: تشريع

تفاصيل التشريع ممكن أن تتغير في مسيرة الدين الإلهي دائماً، سواء في تعاقب الرسل أو حتى خلال مبعث رسول واحد مثل محمد (صلى الله عليه وآله)، فخلال المسيرة الرسالية للرسول محمد (صلى الله عليه وآله) حصل نسخ لأحكام أقرها هو (صلى الله عليه وآله) أول مبعثه، مثل عدة المرأة المتوفى عنها زوجها كما هو ثابت في القرآن:

همیشه این امکان وجود دارد که در طول مسیر دین الهی، جزئیات تشريع تغییر یابد. چه در فرستاده‌های پی‌درپی باشد یا حتی در هنگام برانگیخته شدن یک فرستاده، مانند محمد (ص). در خلال مسیر رسالت محمد رسول الله (ص) برای احکامی که ایشان (ص) در آغاز بعثت تأیید نموده بود، نسخ به وجود آمد؛ مانند عده‌ی زنی که همسرش از دنیا رفته است. همان‌طور که در قرآن آمده است:

فَقَدْ قَالَ تَعَالَى: (وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا وَصِيَّةً لِأَزْوَاجِهِمْ مَتَاعًا إِلَى الْحَوْلِ غَيْرَ إِخْرَاجٍ فَإِنْ خَرَجْنَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِي مَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ مِنْ مَّعْرُوفٍ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ) [البقرة: 240].

همچنین خداوند متعال فرمود: «و کسانی از شما که مرگ‌شان فرا می‌رسد و همسرانی بر جای می‌گذارند، [باید] برای همسران خویش وصیت کنند که آنان را تا يك سال بهره‌مند سازند و [از خانه‌ی شوهر] بیرون نکنند. پس اگر بیرون بروند، در آن‌چه آنان به طور پسندیده درباره‌ی خود انجام دهند، گناهی بر شما نیست و خداوند توانا و حکیم است» ([517]).

وأيضاً قال تعالى: (وَالَّذِينَ يَتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِي مَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ) [البقرة: 234].

«و کسانی از شما که می میرند و همسرانی بر جای میگذارند، [همسران] چهار ماه و ده روز انتظار می برند. پس هرگاه عده‌ی خود را به پایان رساندند، در آن چه آنان به نحو پسندیده درباره‌ی خود انجام دهند، گناهی بر شما نیست و خداوند به آن چه انجام می دهید آگاه است» ([518]).

وقد بيّن القرآن مسألة تبدل التشريع بوضوح بآيات؛ منها قوله تعالى: (شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ) [الشورى: 13].

قرآن موضوع تغییر تشریح را به روشنی در بعضی آیات بیان نموده است. از جمله: «از [احکام] دین آن چه را که به نوح درباره‌ی آن سفارش نمود، برای شما تشریح کرد و آن چه را به تو وحی کردیم و آن چه را که درباره‌ی آن به ابراهیم و موسی و عیسی سفارش نمودیم که دین را برپا دارید و در آن تفرقه اندازی نکنید. بر مشرکان آن چه که ایشان را به سوی آن فرا میخوانی گران میاید خدا هر که را بخواهد، به سوی خود برمیگزیند و هر کس را که از در توبه درآید به سوی خود راه می نماید» ([519]).

أو حتى يمكن أن تكون هناك تشريعات بعض أهدافها تمحيص الناس وإفراز سفيهم عمّن يطلب الحق منهم، ففي حين أنّ قبلة الأحناف في مكة هي الكعبة كانت قبلة الرسول وصلاته إلى بيت المقدس حيث قبلة اليهود، ولما ذهب للمدينة حيث اليهود وقبلتهم بيت المقدس نجد أنّ الله جعل قبلته الكعبة، ولو كانت في مكة قبلته الكعبة لكان الإيمان أهون على الأحناف. فأکید أنّ اتخاذ محمد (صلى الله عليه وآله) قبلة اليهود كان أمراً ثقیلاً على الأحناف في مكة؛ لأنّ قبلتهم هي الكعبة،

وأيضاً اتخذ محمد (صلى الله عليه وآله) الكعبة كقابلة أمر ثقيل على النصارى واليهود في المدينة؛ حيث إن قبلتهم بيت المقدس.

حتی این امکان وجود دارد که تشریح‌هایی باشد که برخی از اهداف آن، پاک نمودن مردم و جدا کردن افراد بی‌خرد از افرادی باشد که طالب حق باشند. در حالی که قبله احناف در مکه همان کعبه بود، قبله‌ی رسول‌الله (ص) و نماز ایشان به سوی بیت‌المقدس و به سوی قبله‌ی یهود بود. همچنین زمانی که به مدینه رفت و قبله‌ی یهود و قبله‌ی ایشان به سوی بیت‌المقدس بود، می‌بینیم که خداوند قبله‌ی ایشان را کعبه قرار داد. اگر قبله‌ی ایشان در مکه، کعبه بود، ایمان برای احناف آسان‌تر می‌بود. قطعاً قرار دادن قبله‌ی یهود توسط محمد (ص) در مکه برای احناف موضوع سنگینی بود؛ چرا که قبله‌ی آنان همان کعبه بود. همچنین قرار دادن کعبه به عنوان قبله، توسط محمد (ص) در مدینه، موضوع سنگینی برای نصارا و یهود بود؛ چرا که قبله‌ی آنان بیت‌المقدس بود.

قال الله تعالى: (وَكذلكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا وَمَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعِ الرَّسُولَ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ عَلَى عَقْبَيْهِ وَإِنْ كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِيعَ إِيمَانَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرُؤُوفٌ رَحِيمٌ) [البقرة: 143].

خداوند متعال فرمود: «و این‌گونه شما را امتی میانه قرار دادیم، تا بر مردم گواه باشید و پیامبر بر شما گواه باشد و قبله‌ای را که [چندی] بر آن بودی، مقرر نکردیم جز برای آنکه کسی را که از پیامبر پیروی میکند، از آن کس که از عقیده‌ی خود برمیگردد، باز شناسیم. هرچند [این کار] جز بر کسانی که خدا هدایت [شان] کرده سخت گران بود و خدا بر آن نبود که ایمان شما را ضایع گرداند. زیرا خدا [نسبت] به مردم دلسوز و مهربان است» ([520]).

قال الله تعالى: (قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ وَإِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ) [البقرة: 144].

خداوند متعال فرمود: «ما [به هر سو] گردانیدن رویت در آسمان را نیک می‌بینیم. پس [باش تا] تو را به قبله‌های که به آن خشنود شوی، برگردانیم. پس روی خود را به سوی مسجدالحرام کن و هر جا بودید روی خود را به سوی آن بگردانید. در حقیقت، اهل کتاب نیک میدانند که این [تغییر قبله] از جانب پروردگارشان [به جا و] درست است و خدا از آن چه می‌کنند، غافل نیست» ([521]).

قال الله تعالى: (وَلَمَّا أَتَيْتَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ بِكُلِّ آيَةٍ مَّا تَبِعُوا قِبْلَتَكَ وَمَا أَنْتَ بِتَابِعٍ قِبْلَتَهُمْ وَمَا بَعْضُهُمْ بِتَابِعٍ قِبْلَةَ بَعْضٍ وَلَمَّا اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ مِّنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّكَ إِذًا لَمِنَ الظَّالِمِينَ) [البقرة: 145].

خداوند متعال فرمود: «و اگر هرگونه معجزه‌های برای اهل کتاب بیاوری، [باز] قبله‌ی تو را پیروی نمی‌کنند و تو [نیز] پیرو قبله آنان نیستی و خود آنان پیرو قبله‌ی یکدیگر نیستند و پس از علمی که تو را [حاصل] آمده است، اگر از هوس‌های ایشان پیروی کنی، در آن صورت جداً از ستمکاران خواهی بود» ([522]).

إذن، فالتشريع الإلهي قابل للنسخ والتغير والتبدل، وهناك أسباب كثيرة قد تؤدي إلى النسخ والتغير؛ منها الظروف المحيطة بالمجتمع الإنساني في هذه الأرض.

بنابراین تشریح الهی قابلیت نسخ و تغییر و تبدیل را دارد. دلایل بسیاری وجود دارد که باعث نسخ و تغییر می‌شود؛ از جمله شرایطی که جامعه‌ی انسانی در این زمین را در برگرفته است.

أيضاً: التشريع بعضه مخول للرسول، فما يشرعه الرسول ضمن حدود ما خوله الله سبحانه وتعالى يرضاه الله سبحانه وتعالى، قال تعالى: (كُلُّ الطَّعَامِ كَانَ حَلَالاً لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ إِلَّا مَا حَرَّمَ إِسْرَائِيلُ عَلَى نَفْسِهِ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُنزَلَ التَّوْرَةُ قُلْ فَاثُوا بِالتَّوْرَةِ فَاتْلُوهَا إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ) [آل عمران: 93]، فواضح من الآيات أن هناك أموراً حرّمها نبي الله يعقوب (عليه السلام).

همچنین قسمت‌هایی از تشريع، به فرستادگان سپرده شده است. آن چه که رسول با رعایت حدودی که خداوند سبحان و متعال تعیین کرده است، تشريع می‌کند، مورد رضایت خداوند سبحان و متعال می‌باشد. خداوند متعال فرمود: «همه‌ی خوراکی‌ها بر فرزندان اسرئیل حلال بود جز آن چه پیش از نزول تورات، اسرئیل [= یعقوب] بر خویشان حرام ساخته بود. بگو اگر [جز این است و] راست می‌گویند تورات را بیاورید و آن را بخوانید» [523]. از این آیه روشن است که مواردی وجود دارد که پیامبر خدا، یعقوب (ع) آن‌ها را حرام نموده بود.

ولا يحق لأحد غير الله ومن خوله من رسله أن يشرع، فالدين لله وهو سبحانه يتكفل دينه، ولا يحق لأحد التصدي للتشريع في دين الله تبرعاً وتطفلاً، وقد ناقشت هذا الأمر فيما تقدم في مبحث آية إكمال الدين.

فردی غیر از خداوند و فرستادگانی که تشريع را به آنان سپرده است، جایز نیست که تشريع نماید. دین برای خداوند است و او سبحانه، دینش را بر عهده گرفته است. پس هیچ فردی حق بر عهده گرفتن تشريع در دین خداوند، به صورت داوطلبانه و کودکانه را ندارد. این موضوع را در بحث آیه‌ی اكمال دین مورد بحث قرار دادم.

- [518]. قرآن کریم، سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۲۳۴.
- [519]. قرآن کریم، سوره‌ی شورا، آیه‌ی ۱۳.
- [520]. قرآن کریم، سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۴۳.
- [521]. قرآن کریم، سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۴۴.
- [522]. قرآن کریم، سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۴۵.
- [523]. قرآن کریم، سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۹۳.